

«راههای دستیابی به سعادت از منظر آیات قرآن»

انیس زبید^۱

چکیده

خوشبختی و سعادت یکی از مسائل اساسی و پرچالشی است که از روزگاران گذشته تاکنون اذهان اندیشمندان مختلف را به خود معطوف کرده است. دین اسلام نیز نسبت به مسأله ی سعادت توجه ویژه ای داشته است. آیین حیات بخش اسلام با توجه به حیات ابدی که در مقابل انسان قرار دارد؛ در تلاش است تا راهکارهایی را برای سعادت‌مندی انسان ارائه دهد به گونه ای که هم در دنیا به آسودگی دست یابد و هم در سرای آخرت به آرامش ابدی و بهره مندی از نعمت های الهی دسترسی یابد. این پژوهش با روش توصیفی و با هدف «شناخت راههای دستیابی به سعادت از منظر قرآن» انجام شده است. شیوه جمع‌آوری مطالب آن به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. محقق در این تحقیق ابتدا به مفهوم‌شناسی پرداخته و در ادامه راههای دستیابی به سعادت را از منظر آیات قرآن بیان و به این نتایج دست یافته است: راههای دست یابی به سعادت از منظر آیات قرآن عبارتند از: ۱. ایمان به خدا ۲. نماز و عبادت همراه با خشوع ۳. پرهیز از اعمال لغو و بیهوده ۴. پرداخت زکات ۵. وفای به عهد ۶. صبر و استقامت در کارها و سختی ها ۷. تقوا ۸. تزکیه نفس ۹. توبه ۱۰. صداقت و راستی ۱۱. عمل نیک و صالح

واژگان کلیدی: راههای سعادت، سعادت در قرآن، نماز، ایمان به خدا.

مقدمه

خوشبختی و سعادت یکی از گرایش‌های فطری و قلبی هر انسانی است. انسان‌ها تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرند تا از رنج‌ها و سختی‌ها رها شوند و به آسودگی و لذت واقعی در زندگی برسند. انسان فطرتاً خواهان لذت و آرامش است و از رنج و مشقت دوری می‌کند. با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان پی برد که خداوند نه تنها این میل فطری را مذمت و نکوهش نمی‌کند بلکه یک سلسله از تعالیم خویش را براساس نیل به این مطلوب مبتنی ساخته است.

در زمینه راهای دستیابی به سعادت از منظر آیات قرآن منابعی نوشته شده است از جمله کتابی با عنوان «خوشبختی و رستگاری از دیدگاه قرآن» از آقایان محمدباقر نائینی سیدحسین حسینی که نویسندگان در بخشی از این کتاب، آیاتی از قرآن را که به معرفی راههای سعادت پرداخته‌اند را بیان نموده‌اند. هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان «عوامل سعادت در قرآن» که در سایت بلاغ منتشر شده است و نویسنده در آن به عوامل سعادت در قرآن پرداخته است.

باتوجه به اینکه یکی از دغدغه‌های بشر در عصر حاضر رسیدن به خوشبختی و سعادت است که برای رسیدن به آن به مکاتب و فرق و ادیان مختلفی گرایش پیدا می‌کند اما بیش از پیش چیزی نمی‌یابد و برای پاسخگویی صحیح به این میل فطری محقق درصدد انجام این تحقیق برآمده است.

حال سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که راههای دستیابی به سعادت از منظر آیات قرآن چیست؟

مفهوم‌شناسی

محقق در این قسمت قصد دارد به تعریف لغوی و اصطلاحی کلیدواژه‌های تحقیق بپردازد.

سعادت

سعادت در لغت، از «سَعَدَ» گرفته شده و بر سرور و شادی قلبی دلالت می‌کند^۱. آیت‌الله مکارم شیرازی، سعادت را «فراهم بودن اسباب تکامل برای یک فرد یا یک جامعه» به منظور رسیدن به مطلوب، یعنی بهره‌مندی از شرایط روحی، جسمی، خانوادگی، محیطی و فرهنگی مناسب، برای رسیدن به هدف‌ها تعریف کرده‌اند.^۲

^۱ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۵۷.

^۲ مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج ۹، ص ۴۹.

راههای دستیابی به سعادت

از نظر قرآن رسیدن به سعادت و خوشبختی پایدار و ابدی تنها با انجام افعال و اعمال اختیاری امکان پذیر است و بدون آن ها دستیابی و تحصیل سعادت امری ناشدنی است؛ بنابراین تحصیل سعادت تنها به معنای انجام اعمال اختیاری است که به عنوان عامل پدیدآورنده سعادت می باشد؛ و انسان تنها به این طریق می تواند به آن برسد؛ زیرا سعادت که مطلوب ذاتی انسان است خود در زمره ی افعال اختیاری انسان قرار نمی گیرد بلکه با تحقق عواملی سعادت تحقق می یابد؛ پس باید افعال اختیاری یا «عواملی» که در قرآن به عنوان عامل، زمینه ساز و وسیله ی رسیدن به سعادت معرفی شده است، تبیین گردد.^۱ محقق در این قسمت قصد دارد تا راههای رسیدن به سعادت و خوشبختی را از منظر آیات قرآن بررسی نماید. این راهها عبارتند از:

۱.۱. ایمان به خدا

خداوند متعال یکی از راههای رسیدن به سعادت را ایمان معرفی می نماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ: مؤمنان رستگار شدند»^۲ در آیات آغازین سوره ی مومنون ویژگی‌های مؤمنان را در عباراتی کوتاه، زنده و پر محتوا تشریح می‌کند، و جالب این که: نخست، به سرنوشت لذتبخش و پر افتخار مؤمنان - پیش از بیان صفات آنها - اشاره می‌نماید تا شعله‌های شوق و عشق را در دل‌ها برای رسیدن به این افتخار بزرگ زنده کند. می‌فرماید: «مؤمنان رستگار شدند، و به هدف نهائی خود در تمام ابعاد رسیدند». در حقیقت، افراد پیروزمند، رستگار و خوشبخت، موانع را از سر راه بر می‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند. البته فلاح و رستگاری، معنی وسیعی دارد که هم پیروزی‌های مادی را شامل می‌شود، و هم معنوی را، و در مورد مؤمنان هر دو بعد منظور است. پیروزی و رستگاری دنیوی، در آن است که انسان آزاد، سربلند، عزیز و بی نیاز زندگی کند، و این امور، جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست، و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک، و در کمال عزت و سربلندی به سر برد^۳.

راغب در مفردات می‌گوید: کلمه فلاح - به فتحه فاء و سکون لام - به معنای شکافتن است و لذا می‌گویند الحديد بحديد یفلح - آهن با آهن شکافته می‌شود. و کلمه فلاح به معنای ظفر یافتن و به دست آوردن و رسیدن به آرزو است. و این به دو نحو است: یکی دنیوی، و دیگری اخروی، اما ظفر دنیوی رسیدن به سعادت زندگی است، یعنی، به

^۱ .علیزاده، «عوامل سعادت در قرآن»، tebyan.net.

^۲ .مؤمنون، ۱.

^۳ .مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۲۱۳-۱۲۱.

چیزی که زندگی را گوارا سازد. و آن در درجه اول بقاء و سپس توانگری و عزت است. و ظفر اخروی در چهار چیز خلاصه می‌شود: بقایی که فناء نداشته باشد، غنایی که دستخوش فقر نشود، عزتی که آمیخته با ذلت نباشد و علمی که مشوب با جهل نباشد، و به همین جهت گفته‌اند: عیشی جز عیش آخرت نیست.^۱ پس اگر دست یابی به سعادت را فلاح خوانده‌اند، به این عنایت است که موانع را شکافته، کنار می‌زند و رخسار مطلوب را نشان می‌دهد. علامه طباطبایی می‌گوید: «راه وصول به سعادت، ایمان به خدا و عمل صالح است که از روی اراده و اختیار انسان صادر می‌شود.»^۲

انتخاب فعل ماضی «افلح» در مورد رستگاری مؤمنان، برای تأکید هر چه بیشتر است؛ یعنی رستگاری آنها آنقدر مسلم است که گویی قبلاً تحقق یافته و ذکر کلمه «قد» قبل از آن نیز تأکید دیگری برای موضوع است. تعبیراتی همچون خاشعون، معرضون، راعون و يحافظون همه دلیل بر آن است که برنامه‌های مؤمنان راستین در این اوصاف برجسته، موقتی و محدود نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است.^۳

در فرهنگ اسلامی اولین مرتبه سعادت، ایمان به خدا و در مقام بندگی خدا برآمدن است. این حد نصاب سعادت است. از این رو قرآن درباره کسانی که ایمان ندارند ولی در این دنیا کارهای خوبی انجام می‌دهند می‌فرماید: «أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا: آنچه که در دنیا به دست آوردید همه را در دنیا صرف کردید و چیزی از آن را برای آخرت نگذاشتید لذا به همان اندازه که خواستید، به دست آوردید.»^۴ در جای دیگر می‌فرماید: «وَقَدْ مَنَّا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا: و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم.»^۵ این اعمال در آخرت مثل گردی پخش می‌شوند و حاصلی برای صاحبشان ندارند. زیرا عنصری که به عالم آخرت راه پیدا می‌کند ارتباط با خداست. آنجا عالم ربوبیت الهی و عالم ولایت است. کسی که خدا را نمی‌شناسد یا خدا را انکار می‌کند یا به جنگ با خدا رفته است راهی به آنجا ندارد و اگر کار خوبی هم در دنیا انجام داده باشد در همین دنیا هم نتیجه زحمات خود را می‌بیند. هر ارتباطی با غیر خدا محو می‌شود، و حتی نسبت‌ها در روز قیامت از بین می‌رود. و تنها ارتباط با خدا و آنچه در شعاع آن است محفوظ می‌ماند.^۶

^۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ماده فلح.

^۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۱۸.

^۳. همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۳، ص ۳۶۶۶.

^۴. احقاف، ۲۰.

^۵. فرقان، ۲۳.

^۶. مصباح یزدی، «بندگی خدا راه سعادت انسان»، تاریخ انتشار ۱۱ آبان ۱۳۹۰، تاریخ بازبینی ۱۰ آذر ۱۴۰۳، mesbahyazdi.ir.

۲. نماز و عبادت همراه با خشوع

خداوند متعال یکی دیگر از راههای کسب سعادت را اقامه نماز با خشوع و فروتنی اعلام می نماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» همانان در نمازشان فروتنند.^۱ این آیه یکی دیگر از اوصاف مؤمنین را می‌شمارد، اوصاف ایمانی که زنده و فعال باشد، و آثار خود را داشته باشد، تا غرض مطلوب از آن حاصل شود. و آن اثر، فلاح و رستگاری است که دارنده چنین ایمانی نماز را بپا می‌دارد، چون نماز عبارت است از توجه کسی که جز فقر و ذلت ندارد به درگاه عظمت و کبریایی و منبع عزت و بهای الهی. و لازمه چنین توجهی این است که: نمازگزار متوجه به چنین مقامی، مستغرق در ذلت و خواری گشته و دلش را از هر چیزی که او را از قصد و هدفش باز می‌دارد بر کند. پس اگر ایمان نمازگزار ایمانی صادق باشد در هنگام توجه به ربش هم او را یکی می‌کند، آن هم معبود اوست و اشتغالش به عبادت، او را از هر کار دیگری باز می‌دارد. آری، شخص فقیری که فقرش نه تنها از جهت درهم و دینار است، بلکه سراپای ذاتش را گرفته وقتی در برابر غنی قرار می‌گیرد که غنایش را به هیچ مقیاس نمی‌توان اندازه گرفت، چه می‌کند؟ و ذلیل وقتی متوجه عزت مطلقه می‌گردد، عزتی که آمیخته با ذلت و خواری نیست، چه حالتی از خود نشان می‌دهد؟^۲

اهمیت دادن به اقامه نماز، مواظبت بر انجام به موقع آن، و پرهیز از سهل انگاری در ادای آن، یکی از عوامل فلاح و رستگاری و سعادت اخروی است. علمای اخلاق و سیر و سلوک همواره به پویندگان کوی سعادت اعلام می‌دارند که اقامه ی نماز یکی از بهترین عوامل سیر و سلوک معنوی و تقرب الی الله است. خداوند سبحان، که به آفرینش انسان و طریق تکامل او از هر فرد دیگری آگاه تر می‌باشد، نماز را تشریع نمود و به وسیله پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در اختیار انسان ها قرار داد، تا برای سعادت و استكمال خویش از آن بهره گیرد. انسانی که طالب سعادت و کمال است در مرتبه ی اول باید فرایض و واجبات را به همان کیفیت مشروع انجام دهد و اگر با اخلاص و حضور قلب آن ها را انجام دهد بهترین وسیله برای قرب و نزدیکی به خداوند می‌باشد. البته اگر واجبات را آدمی ترک کند با انجام دادن مستحبات به جایی نمی‌رسد و اصلاً قرب الی الله پیدا نمی‌کند. اما بعد از انجام فرایض، می‌تواند به وسیله ی نوافل و مستحبات نزدیکی و قرب بیشتری یافته و به مقامات عالی نایل گردد.

و به عبارت دیگر، اگر انسان به اسرار نماز و آثار آن در فضای زندگی بذل و توجه کند، در این راه از هیچ کوششی دریغ نرزد و با دو بال فکر و ذکر به سوی آسمان کمال پرواز کند. نمازی که در اول وقت خوانده شود و به زیور

^۱. مؤمنون، ۲.

^۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۶.

اینجاست که خداوند حکیم برای نجات انسان از ورطه تباهی، باب توبه و استغفار را به روی بندگان خویش گشوده و آن‌ها را به پشیمانی و طلب بخشش دعوت می‌کند تا راه برای بازگشت انسان فریب خورده باز باشد و با امیدواری به لطف و رحمت بیکران الهی، بار دیگر برای تعالی روح خویش تلاش کند.^۱

توبه اصلی مهم است که بشریت را به مسیر سعادت دنیا و آخرت باز می‌گرداند. در واقع انسان در زندگی خویش ممکن است به خاطر خواسته‌ها و غرایز خود، منافع خود را بر دیگران برتری دهد و زمینه سقوط و انحطاط جامعه و در نهایت خودش را فراهم کند و در نتیجه آن زمینه سعادت‌مندی خود و دیگران (در تمام عرصه‌ها مثل امنیت روانی، سلامت، اقتصاد و...) را کمرنگ سازد. اینجاست که خداوند متعال مسیری به نام توبه را فراهم آورده است تا بشر بتواند دوباره به سعادت‌مندی و خوشبختی دست‌یابد. البته باید توجه داشت که توبه حقیقی به معنای بازگشت حقیقی از مسیر غلط و اصلاح رابطه خویش با خداست که نتیجه آن اصلاح روابط انسان با دیگران است و نتیجه آن رستگاری و سعادت‌مندی خود و دیگران در این دنیا و سعادت‌مندی در آخرت است.^۲

شاید زندگی کردن بدون گناه کار سختی باشد ولی یقیناً غیر ممکن نیست. ولی با این حال اگر انسان در حیات دنیوی خود مرتکب فعل حرامی شد نباید درهای رحمت الهی را به روی خود بسته ببیند چرا که این باور خود از بدترین گناهان به حساب می‌آید در منطق قرآن کسانی که به سوی خدای متعال بازگشت می‌کنند رستگارند.^۳

۱۰. صداقت و راستی

صداقت دیگر عامل دستیابی به رستگاری و سعادت است. انسان صادق کسی است که بر محور حقیقت زندگی خویش را بنا می‌نهد. لذا هم به دنبال حقیقت است و هم بیانگر حقیقت است؛ لذا در تلاش است تا با حقیقت در ستیز نباشد و از خودخواهی، لجبازی و غرور دوری می‌کند. به همین دلیل در آیه ۱۱۹ سوره مائده قرآن کریم بهشت و سعادت‌مندی را پاداش راستگویان معرفی می‌کند. «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: امروز، روزی است که راستی راست‌گویان، به آن‌ها سود می‌بخشد. برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر آن می‌گذرد و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند. هم خداوند از آنان خشنود است و هم آن‌ها از خدا خشنودند. این، سعادت بزرگ است»^۴.

^۱. بهلولی، «نقش استغفار در رستگاری انسان»، پایگاه اطلاع رسانی حوزه. Howze.net.

^۲. اندیشه رضوان، «۵ راه خوشبختی و سعادت در اسلام»، andishehrezvan.ir.

^۳. بیتوته، «۶ کلید خوشبختی و سعادت در قرآن کریم»، beytoote.com.

^۴. اندیشه رضوان، «۵ راه خوشبختی و سعادت در اسلام»، andishehrezvan.ir.

یکی از عوامل تأمین کننده سعادت در آخرت، صداقت است. انسان صادق و راست گو، کسی است که با درک حقیقت، لجبازی و خودخواهی ندارد و آنچه را دیده و فهمیده، با کمال شهامت ابراز می کند؛ البته بسیاری نیز مدعی هستند که اگر حق را درک کنند، می پذیرند و از آن پیروی می کنند؛ در حالی که این گونه نیستند.¹

۱۱. عمل نیک و صالح

خداوند متعال در بیان ید دیگر عمل نیک را یکی از راههای کسب سعادت برشمرده و می فرماید: «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ: کسی که توبه کند و ایمان بیاورد، و عمل صالح انجام دهد، امید آن هست که از رستگاران باشد»^۲ و کلمه: عسی در اینجا به معنای لغوی کلمه (امید) نیست، بلکه معنای تحقیق و حتمیت را می رساند، و خدای تعالی خواسته است، طبق رسم و عادت بزرگان بشر سخن بگوید، چون عادت مردان بزرگ این است که کاری را که می خواهند انجام دهند می گویند، امید است انجام دهم، ممکن هم هست همان معنای لغوی یعنی امیدواری منظور باشد، و خدای تعالی از طرف خود توبه کاران اظهار امید کرده باشد، که در این صورت معنای جمله این می شود که: آنهایی که توبه کرده و ایمان آورده، و عمل صالح کردند، در انتظار رستگاری باشند.³

روش قرآن، این است که: همیشه، درها را به روی کافران و گنهکاران باز می گذارد، تا در هر مرحله ای از فساد و آلودگی که باشند بتوانند به راه حق برگردند، در آیه بعد می افزاید: «اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، امید است از رستگاران باشد». بنابراین، راه نجات شما، در سه جمله خلاصه می شود: بازگشت به سوی خدا، ایمان و عمل صالح، که به دنبال آن مسلماً «نجات و فلاح و رستگاری» است. تعبیر به «عسی» (امید است) با این که: کسی که دارای ایمان و عمل صالح باشد، حتماً اهل فلاح و رستگاری است، ممکن است به خاطر این باشد که: این رستگاری، مشروط به بقاء و دوام این حالت است، و از آنجا که دوام و بقاء در مورد همه توبه کنندگان، مسلم نیست، تعبیر به «عسی» شده است.⁴

نتیجه گیری

عنوان این تحقیق «راههای دستیابی به سعادت از منظر آیات قرآن» است. هدف انسان در زندگی دسترسی به سعادت و رستگاریست اما هر انسانی در زندگی خویش برداشت متفاوتی از سعادت دارد. با مراجعه به آیات قرآن

¹ بلاغ، «عوامل سعادت در قرآن»، تاریخ انتشار ۵ تیر ۱۴۰۰، تاریخ بازبینی ۱۲ آبان ۱۴۰۳، balagh.ir

^۲ قصص، ۶۷.

³ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۹۵.

⁴ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، صص ۱۵۵-۱۵۴.

کریم می‌توان پی برد که خداوند راه‌هایی را برای دستیابی به این هدف والا در اختیار انسان قرار داده است؛ تا انسان با عمل به آنها به این آرزوی دیرینه خویش دست یابد و بتواند خیر دنیا و آخرتش را تأمین نماید.

محقق در این تحقیق به نتایج زیر دست یافته است

راه‌های دستیابی به سعادت از منظر قرآن عبارتند از:

۱. ایمان به خدا: ایمان به خدا باعث می‌شود انسان به صورت سربلند و آزاد و بی‌نیاز از غیر زندگی کند تا بتواند موانع را از سر راه خویش بردارد و به سعادت برسد.
۲. نماز و عبادت همراه با خشوع: نمازی که انسان در آن با همه وجود غرق در ذلت و خواری در برابر خداست و دلش و هدفش از هر چیزی غیر خدا پاک است باعث سعادت شخص می‌شود.
۳. پرهیز از اعمال لغو و بیهوده: انسانی که در زندگی به دنبال هدف و غایت سودمندی حرکت می‌کند، تمام اعمال و رفتارهایش را بر مبنای آن هدف تنظیم می‌کند و این چنین به کسب سعادت روی می‌آورد.
۴. پرداخت زکات: پرداخت زکات بنا به دستور الهی باعث پاک شدن و طاهر شدن مال و جان انسان در آستان قدس الهی و کسب سعادت و رستگاری می‌باشد.
۵. وفای به عهد: شخص مؤمن نسبت به پیمان‌هایی که بر عهده اوست با تمام توان در حفظ و وفای به آنها می‌کوشد و اینگونه به سعادت نائل می‌شود.
۶. صبر و استقامت در کارها و سختی‌ها: یکی از اصول دستیابی به سعادت صبر و استقامت در زندگی است چرا که صبر بر مصیبت‌ها مشکلات و موانع ضامن سعادت افراد است.
۷. تقوا: انسان با تقوا و خویش‌تن داری نسبت به بسیاری از خواسته‌های نابجای خویش و چشم پوشی از آنها می‌تواند به سعادت و رستگاری برسد.
۸. تزکیه نفس: رستگاری واقعی نصیب کسی می‌شود که نفس خویش را تربیت کند و و از آلودگی به خلق و خوی شیطانی و گناه و عصیان و کفر پاک سازد.
۹. توبه و اصلاح: انسان در زندگی خویش ممکن است به خاطر غرایز و خواسته‌های خود منافع خود را بر دیگران برتری دهد و از سعادت دور شود، اما خداوند با ایجاد مسیری به نام توبه، راه دوباره دستیابی به سعادت را برایش فراهم نموده است.
۱۰. صداقت و راستی: قرآن کریم بهشت و سعادت‌مندی را پاداش راستگویان معرفی نماید چرا که انسان صادق زندگی خویش را بر محور حقیقت بنا می‌نهد.

۱۱. عمل صالح و نیکو: اگر انسان علاوه بر ایمان به انجام کار صالح و نیک مبادرت نماید می تواند به جرگه سعادتمندان پیوندد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر، ۱۹۷۹م.
۲. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیرقرآن، بهبودی، محمدباقر، بی جا: نشرلطفی، ۱۳۸۰.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردا فی غریب القرآن، چاپ دوم، بی جا: نشرالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، موسوی همدانی، محمدباقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی - ، ۱۳۷۸.
۵. فضل الله، محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۳۹ق.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، چاپ سی و دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

مقالات

۷. بهلولی، محبوبه، «نقش استغفار در رستگاری انسان»، پایگاه اطلاع رسانی حوزه. Howze.net.
۸. پناهی، علی احمد، «اهمیت مشاوره و ویژگی های مشاور از منظرقرآن»، نشریه معرفت، شماره ۱۱۷، ۱۳۷۶.
۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، «عوامل رستگاری در قرآن»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۹۹، ۱۳۸۵.

سایت اینترنتی

۱۰. اندیشه رضوان، «۵ راه خوشبختی و سعادت در اسلام»، andishehrezvan.ir.
۱۱. بلاغ، «عوامل سعادت در قرآن»، تاریخ انتشار ۵ تیر ۱۴۰۰، تاریخ بازبینی ۱۲ آبان ۱۴۰۳، balagh.ir
۱۲. بیتوته، «۶ کلیدخوشبختی و سعادت در قرآن کریم»، beytoote.com.
۱۳. علیزاده، مریم، «عوامل سعادت در قرآن»، tebyan.net.
۱۴. مصباح یزدی، «بندگی خدا راه سعادت انسان»، تاریخ انتشار ۱۱ آبان ۱۳۹۰، تاریخ بازبینی ۱۰ آذر ۱۴۰۳، mesbahyazdi.ir.

